

## بررسی «تحول از» و «تحول در» گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی - نظامی اسلام

نیما رضایی<sup>\*۱</sup>

مجتبی شریعتی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** گفتمان‌های امنیتی - نظامی به کنش‌ها و کردارهای امنیتی - نظامی شکل می‌دهند. یک گفتمان امنیتی - نظامی حتی به تجهیزات امنیتی - نظامی معنا می‌بخشد و مشخص می‌کند که این تجهیزات باید به سمت چه کسی نشانه روند و به سمت چه کسی نشانه نروند. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی گفتمان امنیتی - نظامی اسلام (به‌عنوان گفتمان مرجع) و گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۴۰۱) و بررسی «تحول از» و «تحول در» گفتمان جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان اسلام می‌باشد. **روش‌شناسی پژوهش:** چارچوب نظری پژوهش حاضر، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه می‌باشد. در بخش بررسی فرضیه از روش تحلیل محتوای کیفی (با رویکرد استقرایی - آشکار و در شش گام) به‌منظور بررسی «تحول از» و «تحول در» گفتمان جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی اسلام استفاده می‌شود. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که گفتمان امنیتی - نظامی اسلام نسبت به گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران تأکید و اهمیت بیشتری برای «امنیت ایجابی» و تأکید و اهمیت کم‌تری برای «امنیت سلبی» و «ابزارهای ایجاد و حفظ امنیت» قائل است.

**نتیجه‌گیری:** در این پژوهش، گام‌های شش‌گانه تحلیل محتوای کیفی، استقرایی و آشکار به‌منظور مشخص شدن حدوث یا عدم حدوث «تحول از» و «تحول در» گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی - نظامی اسلام پیموده شد. نتیجه آن است که «تحول از» گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی - نظامی اسلام رخ نداده، لکن «تحول در» گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی - نظامی اسلام حادث شده است.

**کلیدواژه‌ها:** گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران، گفتمان امنیتی - نظامی اسلام، تحول از، تحول در.

**Email:** nima.r@khu.ac.ir

۱- استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران  
(نویسنده مسئول)

**Email:** m.shariati17@gmail.com

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

## مقدمه

هر کشور دارای یک گفتمان امنیتی - نظامی عینیت یافته است. گفتمانی که دارای یک «دال مرکزی» و چندین «وقته (یا لحظه)» می‌باشد. این گفتمان امنیتی - نظامی یک کشور است که به تجهیزات امنیتی - نظامی یک کشور اعم از نیروهای نظامی، نیروهای اطلاعاتی، جنگنده، موشک، بمب، پهپاد، سامانه‌های شنود، سامانه‌های جنگ الکترونیک، اسلحه، پوتین و غیره معنا می‌بخشد. به عبارت دیگر این گفتمان امنیتی - نظامی یک کشور است که مشخص می‌کند نیروهای اطلاعاتی و نظامی باید با چه کسی بجنگند و با چه کسی نباید بجنگند. این گفتمان امنیتی - نظامی یک کشور است که مشخص می‌کند بمب‌ها و موشک‌های یک کشور باید بر سر چه کسی فرود بیایند و بر سر چه کسی فرو نریزند. این گفتمان امنیتی - نظامی یک کشور است که مشخص می‌کند اسلحه‌های نیروهای نظامی باید به سمت چه کسی نشانه رود و به سمت چه کسی نشانه نرود. این گفتمان امنیتی - نظامی یک کشور است که دشمن (یا غیر) را به صورت گفتمانی برساخته می‌نماید و نهایتاً این گفتمان امنیتی - نظامی یک کشور است که تعیین می‌کند چه کسانی باید از قدرت و تجهیزات نظامی - اطلاعاتی «ما» هراس داشته باشند و چه کسانی باید از قدرت و تجهیزات نظامی - اطلاعاتی «ما» احساس آرامش نمایند.

این موضوع در مورد گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز صدق می‌کند. این گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران است که به کنش‌ها و کردارهای امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی شکل می‌دهد و به آن جهت‌دهی می‌نماید. این گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران است که مشخص می‌کند اسلحه‌های نیروهای نظامی ایران باید به سمت چه کسی نشانه رود و به سمت چه کسی نشانه نرود. این گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران است که تعیین می‌کند تجهیزات نظامی ایران در یک زمان (۱۳۵۹ لغایت ۱۳۶۶) ارتش عراق را نشانه رود و در زمانی دیگر (۱۳۹۳- تاکنون) تجهیزات نظامی ایران در کنار ارتش و نیروهای مردمی عراق به سمت دشمن (یعنی داعش) نشانه گرفته شوند.

«جنیفر ملکن» معتقد است سه معنا و کارکرد را می‌توان برای «گفتمان» در نظر گرفت:

۱) «گفتمان» به عنوان نظام دلالت<sup>۱</sup> که واقعیت‌های اجتماعی را برساخته می‌نماید. این تلقی از «گفتمان»، متضمن فهمی سازه‌انگارانه از معنا می‌باشد که در آن اشیاء، [به خودی خود] هیچ معنایی ندارند و جهان مادی نیز حامل هیچ‌گونه معنایی نمی‌باشد، بلکه افراد، معانی اشیاء را با استفاده از نظام نشانه‌ها می‌سازند.

۲) قدرت مولد «گفتمان»<sup>۲</sup> که در آن، گفتمان به عنوان موجودیتی در نظر گرفته می‌شود که اشیایی که توسط گفتمان تعریف می‌شوند را تولید (یا بازتولید) می‌نماید. نکته این‌جاست که «گفتمان» علاوه بر فراهم ساختن زبانی که از آن برای صحبت در مورد (تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی) پدیده‌ها استفاده

1. Discourses as systems of signification

2. Discourse productivity

می‌شود، برخی از راه‌های قابل فهم «بودن» و کنش در جهان را ایجاد نموده و «رژیم حقیقت» خاصی را عملیاتی می‌سازد که دیگر اشکال محتمل هویت و کنش را، مستثنی و حذف می‌نماید. «گفتمان»، به‌ویژه، سوژه‌هایی که مجاز به صحبت و کنش هستند را تعریف می‌کنند.

۳) [در چارچوب] بازی رویه‌ها؛<sup>۱</sup> تلقی قبلی از «گفتمان»، ما را به سمت مطالعه گفتمان‌های مسلط یا هژمون، نحوه ساخت‌دهی به معانی در ارتباط با پیاده‌سازی رویه‌ها و فهم‌پذیر نمودن و مشروع‌سازی آن‌ها رهنمون می‌سازد (ملکن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹: ۲۳۰-۲۲۹).

معنای مدنظر این پژوهش یعنی این گفتمان امنیتی- نظامی یک کشور است که به تجهیزات امنیتی- نظامی یک کشور معنا می‌بخشد، دقیقاً معادل معنای اولی است که «ملکن» برای گفتمان در نظر می‌گیرد و گفتمان را به‌مثابه نظام دلالت معرفی می‌نماید. از این‌رو، می‌توان گفت که این گفتمان امنیتی- نظامی یک کشور است که دشمن (یا غیر) را به‌صورت گفتمانی بر ساخته می‌نماید.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی گفتمان امنیتی- نظامی اسلام و گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران و بررسی «تحول از» و «تحول در» گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی- نظامی اسلام می‌باشد. از این‌رو، ضمن بررسی دال مرکزی و وقته‌ها (یا لحظه‌ها)ی گفتمان امنیتی- نظامی اسلام و گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران، مفصل‌بندی هر دو گفتمان مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

در این راستا تلاش می‌شود تا دال مرکزی و وقته‌ها (یا لحظه‌ها) هر دو گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران و اسلام (به‌عنوان گفتمان مرجع) با استفاده از روش تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موفه مورد بررسی قرار گیرد.

بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی که «درجه و میزان «تحول از» و «تحول در» گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی- نظامی اسلام تا چه اندازه می‌باشد؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «گفتمان امنیتی- نظامی اسلام دارای دال مرکزی «عدالت» و ۹ وقته (یا دقیقه) و گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران دارای دال مرکزی «حفظ نظام» و ۹ وقته (یا لحظه) می‌باشد. اگر چه این دو گفتمان دارای دال مرکزی متفاوت هستند و برخی از وقته‌های آنان با یک‌دیگر تفاوت دارند، لکن مقایسه کیفی این دو گفتمان نشان می‌دهد که گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی- نظامی اسلام دچار «تحول از» گفتمان نشده است و صرفاً با توجه به اقتضات زمانی و مکانی «تحول در» گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته است».

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه است. این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی می‌باشد. داده‌های مورد نیاز این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و وب‌محور (تارنماهای

1. The play of practice

2. Milliken

رسمی و معتبر) گردآوری شده است. ضمناً روش تحلیل محتوای کیفی (با رویکرد استقرایی - آشکار و در شش گام) به منظور بررسی «تحول از» و «تحول در» گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به گفتمان امنیتی - نظامی اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### چارچوب نظری: نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

«دیوید هوارث» در کتاب «گفتمان» عنوان می‌دارد که مفهوم گفتمان<sup>۱</sup> نقش فزاینده‌ای در علوم اجتماعی معاصر بازی می‌کند. اگر چه تحلیل گفتمان از رشته‌هایی نظیر زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی<sup>۲</sup> نشأت گرفته است، لکن به بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی تسری یافته است. برجستگی روز افزون تحلیل گفتمان نه تنها در تعداد فزاینده مطالعاتی که از مفاهیم و روش‌های تحلیل گفتمان استفاده می‌کنند مشهود است، بلکه در گستره وسیع بکارگیری این مفهوم نیز قابل مشاهده است (هوارث<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰: ۱).

«جیمز پل جی و مایکل هندفورد» در مقدمه کتاب «راهنمای تحلیل گفتمان راتلج» عنوان می‌دارند که تحلیل گفتمان مطالعه زبان مورد استفاده است. تحلیل گفتمان مطالعه معانی است که به زبان می‌دهیم و [هم‌چنین مطالعه] کنش‌هایی است که هنگام استفاده از زبان در زمینه‌های خاص انجام می‌دهیم. تحلیل گفتمان هم‌چنین گاهی به‌عنوان مطالعه زبان بالاتر از سطح یک جمله<sup>۴</sup>، [و] مطالعه روش‌های ترکیب جملات در راستای ایجاد معنا، انسجام و انجام مقاصد، تعریف می‌شود (جی و هندفورد<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲: ۱).

«دبورا شیفرن، دبورا تانن و هایدی ای. همیلتون» در کتاب معروف «راهنمای تحلیل گفتمان» عنوان می‌دارند که مفهوم «گفتمان» دارای سه معنای مختلف می‌باشد: (۱) هر چیزی فراتر از جمله؛ (۲) کاربرد زبان و (۳) محدوده وسیع‌تری از کردارهای اجتماعی که شامل موارد غیرزبانی و غیراختصاصی زبان<sup>۶</sup> می‌باشد (شیفرن، تانن و همیلتون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱: ۱).

«لاکلا» در مدخل «گفتمان» (فصل ۲۷) در «دایرة المعارف فلسفه سیاسی معاصر» عنوان می‌دارد که مفهوم «گفتمان»، همان‌گونه که در برخی از رویکردهای معاصر تحلیل سیاسی بسط یافته است، ریشه در چیزی دارد که می‌توان آن را چرخش استعلایی در فلسفه مدرن<sup>۸</sup> نامید - یعنی نوعی تحلیل که در درجه اول نه به حقایق، بلکه به شرایط امکان آن‌ها<sup>۹</sup> اشاره می‌کند. فرضیه اصلی رویکرد گفتمانی این است که خود امکان ادراک، اندیشه و عمل به ساختاریابی یک حوزه معنادار معین [یعنی

- 
1. Discourse
  2. linguistics and semiotics
  3. Howarth
  4. study of language above the level of a sentence
  5. Gee & Handford
  6. nonlinguistic and nonspecific instances of language
  7. Schiffrin, Tannen & Hamilton
  8. transcendental turn in modern philosophy
  9. not to facts but to their conditions of possibility

گفتمان] بستگی دارد که پیش از هرگونه بی‌واسطگی عینی<sup>۱</sup> وجود دارد (لاکلا،<sup>۲</sup> ۲۰۰۷: ۵۴۱). «ماریان یورگنسن و لوئیس جی. فیلیپس» بر این باورند که رویکردهای تحلیل گفتمان نقطه عزیمت خود را این ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پس‌ساختارگرا<sup>۳</sup> قرار می‌دهند که دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان صورت می‌پذیرد. به‌واسطه زبان، بازنمایی‌هایی از واقعیت<sup>۴</sup> خلق می‌کنیم که صرفاً بازتاب واقعیت از پیش موجود نیستند، بلکه به‌ساخت واقعیت [هم] کمک [و مساهمت] می‌کنند. این بدان معنا نیست که واقعیت، به‌خودی خود وجود ندارد. معانی و بازنمایی‌ها [اموری] واقعی هستند. اشیاء فیزیکی نیز وجود دارند، لکن صرفاً از طریق گفتمان معنا پیدا می‌کنند (یورگنسن و فیلیپس،<sup>۵</sup> ۲۰۰۲: ۱۰-۹).

«لاکلا» معتقد است که مساهمت اصلی نظریه گفتمان به حوزه سیاست، مفهوم‌سازی قدرت<sup>۶</sup> بوده است (لاکلا، ۲۰۰۷: ۵۴۵). هدف نظریه گفتمان فهم امر اجتماعی به‌عنوان یک برساخت گفتمانی<sup>۷</sup> است که بر این اساس، اصولاً همه پدیده‌های اجتماعی را می‌توان با استفاده از ابزارهای تحلیل گفتمانی تحلیل نمود (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۲۴).

«دیوید هوارث» معتقد است که در نظریه لاکلا و موفه که ریشه در زبان‌شناسی ساختارگرای الهام گرفته از سوسور دارد و سپس توسط بنونیست، یلمسلف و یاکوبسن<sup>۸</sup> توسعه داده شده است، گفتمان‌ها را برحسب نظام‌های تفاوت، مفهوم‌سازی می‌کنند که در آن هویت هر عنصر مجزا به‌واسطه ارجاع به سایر مؤلفه‌های ساختار [زبان] تعریف و موقعیت‌یابی می‌شود (هوارث، ۲۰۱۵: ۵).

با توجه به اهمیت دیدگاه‌های سوسور و از آن‌جا که نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه بخشی از سازه فکری خود را بر روی ساختارگرایی سوسوری و بخش دیگر آن را بر روی پس‌ساختارگرایی بنیان نهاده است، فهم نگرش سوسور برای یک محقق تحلیل گفتمان لازم و ضروری است. تا زمانی که نگرش سوسور فهم نشود، امکان فهم مفهوم گفتمان به‌صورت عام و نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به‌صورت خاص وجود ندارد.

به‌صورت خلاصه می‌توان گفت که ساختارگرایی سوسوری دارای پنج رکن اساسی است:

۱) سوسور مدافع این [دیدگاه] بود که ساختار نشانه‌ها<sup>۹</sup> [باید] موضوع زبان‌شناسی باشد (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۰). نظریه زبان‌شناختی فردینان دو سوسور<sup>۱۰</sup> که در ابتدا در سه دوره در ژنو بین سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ ارائه گردید، در مفهوم نشانه تغییر ایجاد کرد و نشانه را به‌عنوان رابطه بین انگاره

1. factual immediacy
2. Laclau
3. structuralist and poststructuralist linguistic philosophy
4. representations of reality
5. Jørgensen & Phillips
6. conceptualization of power
7. as a discursive construction
8. Benveniste, Hjelmslev and Jakobson
9. structure of signs
10. linguistic theory of Ferdinand de Saussure

[یا تصویر] صوتی (دال) و مفهوم (مدلول) <sup>۱</sup> معرفی نمود (لاکلا، ۲۰۰۷: ۵۴۲). سوسور استدلال می‌کرد که نشانه‌ها از دو وجه تشکیل شده‌اند، صورت (دال) و محتوا (مدلول) <sup>۲</sup> و رابطه بین این دو دل‌بخواهانه <sup>۳</sup> است (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۰-۹).

(۲) سوسور معتقد است که در زبان اصطلاحات مثبت [یا اثباتی] <sup>۴</sup> وجود ندارد و تنها تفاوت [بین اصطلاحات] وجود دارد. به‌منظور فهم معنای واژه «پدر» باید معنای واژه‌های «مادر»، «پسر» و غیره را فهم نمود. این ویژگی صرفاً رابطه‌ای و متفاوت هویت‌های زبانی به این معنا است که زبان، نظامی را تشکیل می‌دهد که در آن هیچ عنصری مستقل از سایر عناصر قابل تعریف نیست (لاکلا، ۲۰۰۷: ۵۴۲). در نظریه سوسور، معنایی که به کلمات نسبت می‌دهیم ذاتی آن‌ها نیست، بلکه نتیجه قراردادهای اجتماعی است که به‌موجب آن معانی مشخصی را با صداها یا خاصه ربط می‌دهیم. به‌عنوان نمونه، صدا یا شکل مکتوب کلمه سگ هیچ ارتباط طبیعی با تصویری که هنگام شنیدن این کلمه در ذهن ما ظاهر می‌شود، ندارد. این‌که منظور دیگران از گفتن «سگ» را می‌فهمیم ناشی از قراردادی اجتماعی است که به ما آموخته است که کلمه «سگ» به حیوان چهارپایی اطلاق می‌گردد که پارس می‌کند. منظور سوسور این است که معنای یک نشانه به‌واسطه ارتباط با نشانه‌های دیگر مشخص می‌شود: یک نشانه ارزش خاص خود را به‌واسطه متفاوت بودن با نشانه‌های دیگر کسب می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۰-۹). از این‌رو، در نگرش سوسور «سبز» به‌معنای نه «سفید»؛ نه «سیاه»؛ نه «قرمز»؛ نه «آبی»؛ نه «زرد» و نه غیره می‌باشد.

(۳) «نوریک» معتقد است که سوسور، مطالعه نظام زبان <sup>۵</sup> را بر مطالعه عملکرد زبان (گفتار) <sup>۶</sup> که در [هنگام] توصیف زبانی، زمینه و گفتمان را در جایگاه غیرخودی‌ها قرار می‌دهد، ارجح دانست (نوریک <sup>۷</sup>، ۲۰۰۱: ۷۶). سوسور بین دو سطح زبان، [یعنی] نظام زبان و گفتار تمایز قائل شد. نظام زبان ساختار زبان است، شبکه‌ای از نشانه‌ها که به یک‌دیگر معنا می‌بخشند و ثابت و تغییرناپذیر هستند. از سوی دیگر، گفتار، کاربرد موقعیت‌مند زبان <sup>۸</sup> است، [یعنی] نشانه‌هایی که در عمل توسط افراد در موقعیت‌های خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. گفتار همواره باید بر اساس [و در چارچوب] نظام زبان باشد، زیرا این ساختار زبان است که [بیان] گزاره‌های خاص را امکان‌پذیر می‌سازد. اما در سنت سوسوری، گفتار اغلب [پدیده‌ای] تصادفی تلقی می‌شود و به‌قدری به‌واسطه خطاها و سلیقه‌های شخصی افراد تخریب شده که صلاحیت ندارد تا موضوع کاوش علمی قرار گیرد. از این‌رو، این ساختار ثابت و زیربنایی [یعنی] نظام زبان است که

1. relation between an acoustic image (the signifier) and a concept (the signified)
2. form (signifiant) and content (signifié)
3. arbitrary
4. positive terms
5. language system (langue)
6. language performance (parole)
7. Norrick
8. situated language use

به موضوع اصلی زبان‌شناسی مبدل شده است (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۰).  
 (۴) سوسور استدلال می‌کند که زبان صورت نه جوهر<sup>۱</sup> - یعنی هر عنصر نظام منحصرأ به‌واسطه قواعد ترکیب و جانشینی آن با عناصر دیگر تعریف می‌شود. به‌منظور فهم [دقیق] قیاس سوسور [باید گفت که] اگر مهره‌های چوبی یک صفحه شطرنج را با مهره‌های مرمری یا حتی تکه‌های کاغذ جایگزین کنیم، تا جایی که قواعد حاکم بر [نحوه] حرکت مهره‌ها ثابت بماند هم‌چنان می‌توان شطرنج بازی کرد. در این جهان کاملاً متفاوت که قواعد کاملاً صوری بر آن حاکم است، هم‌ریختی [یا هم‌ساختی] شدیدی<sup>۲</sup> وجود دارد: برای هر جریانی از صداها که یک کلمه را تشکیل می‌دهند، یک و تنها یک مفهوم مطابقت دارد (لاکلا، ۲۰۰۷: ۵۴۲).

(۵) «نوریک» عنوان می‌دارد که سوسور از نگرش جدید هم‌زمانی<sup>۳</sup> [یعنی نشانه‌ها به‌عنوان زنجیره‌ای به‌هم پیوسته] در کنار رویکرد سنتی در زمانی<sup>۴</sup> [یعنی مطالعه تغییراتی که نشانه‌ها در طول زمان متحمل می‌شوند] دفاع نمود (نوریک، ۲۰۰۱: ۷۶).

اما پس‌اساختارگرایی به‌عنوان اساس و بنیان نظریه لاکلا و موفه دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با ساختارگرایی می‌باشد که لازم است به برخی از آن‌ها اشاره نمود:

(۱) پس‌اساختارگرایی، نظریه ساختارگرا را [به‌عنوان] نقطه شروع خود [در نظر] می‌گیرد، لکن تغییرات مهمی در آن ایجاد می‌کند. پس‌اساختارگرایی این ایده را از ساختارگرایی [وام] می‌گیرد که نشانه‌ها معانی خود را نه به‌واسطه رابطه با واقعیت، بلکه به‌واسطه روابط درونی [موجود] در شبکه نشانه‌ها به دست می‌آورند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۰).

(۲) پس‌اساختارگرایی نگرش ساختارگرایی به زبان به‌عنوان ساختاری باثبات، تغییرناپذیر و فراگیر را رد می‌نماید. پس‌اساختارگرایی عنوان می‌دارد که ساختارها وجود دارند لکن همواره در وضعیتی موقت قرار دارند و لزوماً [هم] مستحکم نیستند. این برداشت، در راستای حل یکی از مشکلات سنتی ساختارگرایی، یعنی تغییر، ابزاری را در اختیار پس‌اساختارگرایی قرار می‌دهد. به‌واسطه تمرکز ساختارگرایی بر ساختار بنیادین و ثابت، درک تغییر غیرممکن می‌گردد. در پس‌اساختارگرایی، ساختار، تغییرپذیر می‌شود و معانی نشانه‌ها نسبت به دیگر [نشانه‌ها] تغییر می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۱-۱۰). اگر قرار باشد پیامدهای رادیکال معضله ساختارگرایی به درستی استخراج شود، آن‌گاه عناصر ساختارهای زبان‌شناسی و هم‌چنین نظام‌هایی که عناصر در درون آن هویت خود را به‌دست می‌آورند، نیازمند ساختار شکنی<sup>۵</sup> بیشتری هستند (هوارث، ۲۰۱۵: ۵). به‌عبارت دیگر، پس‌اساختارگرایی اگر چه نگرش ساختارگرایی در مورد دلخواهی و تصادفی بودن نشانه و واقعیت (یا مصداق) را می‌پذیرد، لکن ثابت بودن رابطه «دال» و «مدلول» را

1. language is form and not substance

2. strict isomorphism

3. new synchronic view

4. traditional diachronic approach

5. deconstruction

نمی‌پذیرد. از این‌رو، هر دال می‌تواند چندین مدلول مختلف داشته باشد.

۳) در پساساختارگرایی، هم نظام زبان و هم گفتار مورد مطالعه قرار می‌گیرند. پساساختارگرایان بر این باورند که در کاربرد انضمامی زبان<sup>۱</sup> است که ساختار خلق، بازتولید [شده] و تغییر می‌کند. در کنش‌های گفتاری (و نوشتاری) خاص، افراد از ساختار بهره می‌گیرند - در غیر این صورت گفتار معنادار نخواهد بود- لکن آن‌ها می‌توانند از طریق ارائه ایده‌های جایگزین در مورد نحوه تثبیت معنای نشانه‌ها، ساختار را به چالش بکشند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۱-۱۲).

پس از ذکر این توضیحات، اکنون مفهوم گفتمان و پس از آن نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه مورد بحث قرار می‌گیرد.

«بعقوب تورفین» در کتاب «نظریه‌های نوین گفتمان: لاکلا، موفه و ژیک» مفهوم «گفتمان» را این گونه تعریف می‌کند: «گفتمان مجموعه‌ای متمایز از زنجیره‌های دلالتی<sup>۲</sup> است که در آن معنا دائماً مورد مذاکره مجدد قرار می‌گیرد» (تورفین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹: ۸۵).

لاکلا و موفه در مقاله «پسامارکسیسم بدون پوزش» که در مجله «چپ جدید» منتشر گردید، توصیف جالبی از مفهوم «گفتمان» ارائه می‌دهند: فرض کنید که من در حال ساخت یک دیوار همراه با فرد دیگری هستم. در یک لحظه مشخص از همکاری می‌خواهم که آجری به من بدهد و سپس آن را به دیوار اضافه می‌کنم. اولین کنش -درخواست آجر- زبانی است. دومین [کنش] -اضافه کردن آجر به دیوار- فرازبانی<sup>۴</sup> است. آیا من واقعیت هر دو کنش را به‌واسطه تمایز قائل شدن میان آن‌ها بر حسب تضاد امر زبانی / فرازبانی زایل ساخته‌ام؟ بدیهی است که پاسخ منفی می‌باشد، زیرا علی‌رغم تفاوت میان آن‌ها، این دو کنش در چیزی مشترک هستند که امکان مقایسه آن‌ها را فراهم می‌سازد، یعنی این واقعیت که هر دو بخشی از یک کنش کلی هستند که [همان] ساخت دیوار می‌باشد. پس چگونه می‌توانیم این کلیت<sup>۵</sup> را که درخواست آجر و جای‌گذاری آن [در دیوار می‌باشد و] هر دو در لحظه‌ای متفاوت [رخ می‌دهند] را توصیف کنیم؟ بدیهی است که اگر این کلیت هم شامل عناصر زبانی و هم فرازبانی باشد، خود [این کلیت] نمی‌تواند صرفاً زبانی یا فرازبانی باشد؛ [کلیت مورد اشاره] باید مقدم بر این تمایز باشد. این کلیت که در درون خود شامل امر زبانی و فرازبانی می‌باشد، همان چیزی است که ما به آن گفتمان می‌گوییم. در یک لحظه [خاص] ما این تسمیه [یا نام‌گذاری] را تصدیق خواهیم نمود. لکن آن‌چه که از ابتدا باید روشن شود آن است که منظور از گفتمان ترکیبی از گفتار و نوشتار نیست، بلکه گفتار و نوشتار از اجزای درونی کلیت‌های گفتمانی<sup>۶</sup> هستند (لاکلا و موفه<sup>۷</sup>، ۱۹۸۷: ۸۲).

1. concrete language use
2. a differential ensemble of signifying sequences
3. Torfing
4. extralinguistic
5. totality
6. internal components of discursive totalities
7. Laclau & Mouffe



لاکلا و موفه نظریه خود را بر مبنای ترکیب و اصلاح دو سنت نظری عمده، [یعنی] مارکسیسم و ساختارگرایی بنا نهاده‌اند. مارکسیسم نقطه شروعی برای اندیشیدن به امر اجتماعی<sup>۱</sup> است و ساختارگرایی نظریه معنا<sup>۲</sup> را عرضه می‌دارد. لاکلا و موفه این سنت‌ها را در یک نظریه پسا ساختارگرایانه ادغام می‌کنند که در آن کل حوزه اجتماعی به‌عنوان شبکه‌ای از فرآیندها که در آن معنا تولید می‌گردد، درک می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۲۵).

ارنستو لاکلا و شنتال موفه در مورد «گفتمان» عنوان می‌دارند: «ما هر کرداری<sup>۳</sup> را که میان عناصر<sup>۴</sup> رابطه‌ای برقرار می‌کند، به‌گونه‌ای که هویت آن عناصر در نتیجه این کردار مفصل‌بندی تغییر یابد، مفصل‌بندی<sup>۵</sup> می‌نامیم. کلیت ساختاریافته حاصل از کردار مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامیم» (لاکلا و موفه، ۲۰۰۱: ۱۰۵).

«ارنستو لاکلا» در مقاله «ایدئولوژی و پسامارکسیسم» عنوان می‌دارد که گفتمان محدود به گفتار و نوشتار نیست، بلکه همه نظام‌های دلالت<sup>۶</sup> را در بر می‌گیرد. در چنین معنایی [گفتمان] با زندگی اجتماعی هم‌مرز است (لاکلا، ۲۰۰۶: ۱۰۶).

«دیوید هوارث» معتقد است که «لاکلا» مهم‌ترین نماینده رویکرد متمایز پسامارکسیستی به تحلیل اجتماعی است که در طول سی یا چهل سال گذشته بسط یافته است. «لاکلا» در راستای تشریح دقیق این رویکرد، جریان‌های درون نظریه پسا ساختارگرایی (نظیر دریدا و فوکو) و فلسفه پساتحلیلی (نظیر ویتگنشتاین و رورتی)<sup>۷</sup>، همراه با روان‌کاوی (نظیر فروید و لاکان)<sup>۸</sup> را مفصل‌بندی نموده است تا روشی بدیع از تحلیل گفتمان را بسط دهد. این رویکرد مبتنی بر یک برداشت مادی‌گرایانه از گفتمان است که تقابل واقع‌گرایی / آرمان‌گرایی و نیز دوگانگی‌های سنتی بین اندیشه و واقعیت، کردارهای زبانی و غیرزبانی و ذهن و جسم را واسازی نموده است. اثر «لاکلا» الهام‌بخش تعدادی از محققان علوم اجتماعی و انسانی بوده است که تلاش کرده‌اند رویکرد نظری و روش‌شناختی او را به طرق مختلف به‌کار گیرند و توسعه دهند (هوارث، ۲۰۱۵: ۱).

مطالب این بخش را با ذکر دیدگاه «یورگنسن و فیلیپس» در مورد نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه جمع‌بندی می‌نماییم: نظریه گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موفه «ناب‌ترین» نظریه پسا ساختارگرایانه است. این نظریه نقطه عزیمت خود را بر این باور پسا ساختارگرایانه قرار می‌دهد که گفتمان، جهان اجتماعی را در [قالب] معنا برمی‌سازد و با توجه به بی‌ثباتی بنیادین زبان، معنا هیچ‌گاه نمی‌تواند برای همیشه ثابت

- 
1. the social
  2. a theory of meaning
  3. practice
  4. elements
  5. articulation
  6. all systems of signification
  7. post-analytical philosophy (e.g. Wittgenstein and Rorty)
  8. psychoanalysis (e.g. Freud and Lacan)

بماند. هیچ گفتمانی یک موجودیت بسته نیست؛ بلکه به واسطه تماس با گفتمان‌های دیگر دائماً دستخوش تغییر است. بنابراین منازعه گفتمانی<sup>۱</sup> یک کلمه کلیدی این نظریه است. گفتمان‌های مختلف - که هر یک شیوه خاصی برای گفت‌وگو پیرامون جهان اجتماعی و درک آن ارائه می‌دهند - در راستای دستیابی به [جایگاه و موقعیت] هژمونی، یعنی تثبیت معانی زبان به روش [مدنظر] خود، درگیر کشمکش دائمی با یکدیگر هستند. از این‌رو، هژمونی را می‌توان عجلتاً به‌عنوان تسلط یک چشم‌انداز خاص فهم نمود (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۶-۷).

### یافته‌های پژوهش

#### مفصل‌بندی گفتمان امنیتی - نظامی اسلام

با توجه به محدودیت‌های حجمی مقالات علمی - پژوهشی، در این بخش عناصر اصلی گفتمان امنیتی - نظامی اسلام مورد مذاقه قرار می‌گیرد. از آن‌جا که گفتمان امنیتی - نظامی اسلام به‌عنوان سنج و معیار بررسی گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده، از این‌رو تمرکز اصلی بر این گفتمان و ابعاد مختلف آن مبذول می‌گردد.

گفتمان امنیتی - نظامی اسلام در وهله اول با گفتمان امنیتی - نظامی مشرکین و در وهله بعدی با گفتمان امنیتی - نظامی امپراتوری‌های ایران و روم رابطه غیریت‌سازانه [یا مبتنی بر تخصم] برقرار نمود. لاکلا و موفه در مورد «غیریت‌سازی [یا تخصم یا ضدیت]»<sup>۲</sup> عنوان می‌دارند که «دیدگاه ما این است که غیریت‌سازی‌ها [یا تخصم‌ها] روابط عینی نیستند، بلکه روابطی هستند که مرزهای تمامی عینیت‌ها را آشکار می‌کنند. جامعه حول این مرزها شکل می‌گیرد و آن‌ها مرزهایی «غیریت‌سازانه [یا تخصمی]»<sup>۳</sup> هستند» (لاکلا و موفه، ۲۰۰۱: xiii-xiv). نقطه شروع نظریه گفتمان این است که هیچ گفتمانی نمی‌تواند به‌صورت کامل مستقر [و برقرار] شود، [هر گفتمانی] هم‌واره [در حال] منازعه [و کشمکش] با سایر گفتمان‌هایی است که واقعیت را به‌گونه‌ای متفاوت تعریف می‌کنند و دستورالعمل‌های دیگری برای کنش اجتماعی تعیین می‌کنند. «غیریت‌سازی [یا تخصم] اجتماعی» زمانی رخ می‌دهد که هویت‌های مختلف متقابلاً یکدیگر را برون‌گذاری [یا طرد]<sup>۴</sup> نمایند. «غیریت‌سازی» در جایی یافت می‌شود که گفتمان‌ها با یکدیگر تصادم [کرده و تضاد پیدا] کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۴۸-۴۷).

بنابراین مشرکین، امپراتوری ایران و امپراتوری روم را می‌توان سه «غیر [یا دگر]»<sup>۵</sup> گفتمان امنیتی - نظامی اسلام در دوران زعامت نبی مکرم اسلام، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) دانست. از این‌رو و براساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه می‌توان گفت که گفتمان‌های امنیتی - نظامی اسلام،

1. discursive struggle
2. Antagonism
3. antagonistic limits
4. exclude
5. Other

مشرکین، امپراتوری ایران و امپراتوری روم در یک «میدان گفتمانی»<sup>۱</sup> قرار داشتند که در آن بر سر تثبیت معنا نوعی مبارزه و کشمکش وجود داشت. گفتمان امنیتی - نظامی اسلام در دوران زعامت یعسوب‌الدین، امیرالمومنین علی(ع) با گفتمان‌های امنیتی - نظامی بنی‌امیه (قاسطین)، اصحاب جمل (ناکثین) و خوارج (مارقین) رابطه غیریت‌سازانه برقرار نمود.

«داده‌های متنی» که در تحلیل گفتمان امنیتی - نظامی اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل متون نوشتاری کلام... مجید و احادیث نبی مکرم اسلام(ص) و امیرالمومنین علی(ع) می‌باشد.

### الف) دال مرکزی: عدالت

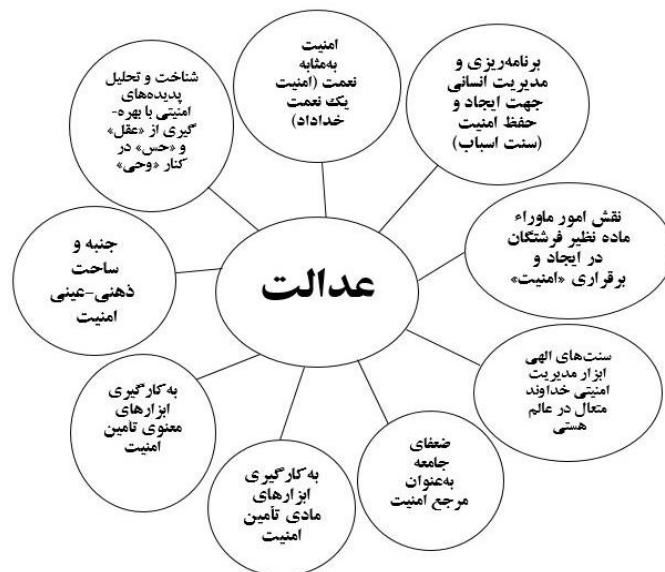
اکنون لازم است که دال مرکزی گفتمان امنیتی - نظامی اسلام در دوران پیامبر عظیم‌الشأن اسلام(ص) و امیرالمومنین علی(ع) را مشخص نماییم. لاکلا و موفه در مورد «نقطه کانونی»<sup>۲</sup> یا همان «دال مرکزی»<sup>۳</sup> خاطر نشان می‌سازند که «هر گفتمانی به‌مثابه تلاش برای تسلط بر حوزه گفتمان‌گونگی»<sup>۴</sup>، در راستای جلوگیری از جریان تفاوت‌ها<sup>۵</sup> و ساخت یک مرکز شکل می‌گیرد. ما نقاط گفتمانی ممتاز این تثبیت جزئی<sup>۶</sup> را نقطه کانونی [یا نقطه تلاقی] می‌نامیم» (لاکلا و موفه، ۲۰۰۱: ۱۱۲). به‌عبارت دیگر، «نقطه کانونی [یا نقطه تلاقی]» نشانه‌ای است که معنای آن به حالت انجماد درآمده و سایر نشانه‌ها حول آن انسجام می‌یابند و نظم می‌گیرند. اگر «دال مرکزی» را به‌مثابه عمود خیمه یا سنگ‌لق یک گفتمان در نظر بگیریم که با نبودن آن گفتمان فرو می‌ریزد، «دال مرکزی» یا به تعبیر لاکلا و موفه، «نقطه کانونی [یا نقطه تلاقی]» گفتمان امنیتی - نظامی اسلام، «عدالت» خواهد بود. «ثَبَاتُ الدَّوْلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ (ثبات دولت‌ها به برپایی روش‌های عادلانه است)»؛ «لَنْ تَحْصُنَ الدَّوْلَ بِمَثَلِ اسْتِعْمَالِ الْعَدْلِ فِيهَا (هیچ چیزی دولت‌ها را مصون ندارد همانند عدالت‌پیشگی در آن)»؛ «الْعَدْلُ جَنَّةُ الدَّوْلِ (عدالت سپر دولت‌ها است)» و «اعْدِلْ! تَدْمُ لَكَ الْقُدْرَةَ (عدالت پیشه کن تا قدرت تو دوام یابد)» (تمیمی آمدی، ۱۹۸۷: ۴۵۰).

اکنون لازم است که وقته‌ها [یا دقایق] گفتمان امنیتی - نظامی اسلام مورد تدقیق قرار گیرند. لاکلا و موفه در مورد «وقته [یا دقیقه]» عنوان می‌دارند که «مواضع [مبتنی بر] تفاوت، تا آن‌جا که در یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشند را وقته [یا لحظه]»<sup>۷</sup> می‌نامیم. در مقابل، هر تفاوتی که به‌صورت گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد را عنصر<sup>۸</sup> می‌نامیم» (لاکلا و موفه، ۲۰۰۱: ۱۰۵). عناصر، نشانه‌هایی هستند که معنای آن‌ها

1. Discursive Field
2. Nodal Point
3. Master-Signifier
4. field of discursivity
5. flow of differences
6. this partial fixation
7. moment
8. element

هنوز تثبیت نشده است؛ نشانه‌هایی که معانی بالقوه [و] متعددی دارند (یعنی چندمعنایی<sup>۱</sup> هستند). [هر] گفتمان می‌کوشد عناصر را از طریق تقلیل چندمعنایی آن‌ها به معنایی کاملاً ثابت، تبدیل به وقته [یا لحظه] نماید (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۲۷).

در شکل ۱، مفصل‌بندی گفتمان امنیتی - نظامی اسلام به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱: مفصل‌بندی گفتمان امنیتی - نظامی اسلام در دوران پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع)

منبع: نگارندگان

### ب) وقته‌ها [یا دقیق] گفتمان امنیتی - نظامی اسلام

با توجه به محدودیت‌های حجمی مقالات علمی-پژوهشی، در این بخش تلاش می‌شود تا وقته‌ها [یا دقیق] گفتمان امنیتی - نظامی اسلام به‌صورتی کاملاً مختصر مورد بررسی قرار گیرد.

ب- ۱) امنیت به‌مثابه نعمت (امنیت یک نعمت خداداد): در اسلام، «امنیت» به‌عنوان یک «نعمت» مطرح می‌باشد. احادیث شریف نبوی (ص) نظیر «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ» (علامه مجلسی، ۱۹۸۳: ۱۷۰) (ابن بابویه، ۲۰۰۳: ۳۴) و «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ» (فتال نیشابوری، ۲۰۰۲: ۴۷۲) دلالت بر این امر دارند.

ب- ۲) برنامه‌ریزی و مدیریت انسانی جهت ایجاد و حفظ امنیت (سنت اسباب): «سنت اسباب» به این

1. polysemic

موضوع اشاره دارد که هر امری در هستی از طریق اسباب و علل طبیعی و مادی جریان می‌یابد. باران اگر چه به امر خدا می‌بارد، لکن اسباب و علت طبیعی آن ابر می‌باشد. بنابراین مطابق «سنت اسباب» باید گفت که اگر چه «امنیت» در اسلام نعمتی خداداد می‌باشد، لکن «حفظ امنیت» اتفاقی نیست و برنامه‌ریزی و مدیریت انسانی جهت استفاده از ابزارهای مادی و معنوی تأمین امنیت و اصلاح آسیب‌پذیری‌ها را می‌طلبد.

ب- ۳) نقش امور ماوراء ماده نظیر فرشتگان در ایجاد و برقراری «امنیت»: در آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ سوره مبارکه آل عمران آمده است: «در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی آیا کافی نیست که پروردگارتان شما را به سه هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟! آری، [امروز هم] اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به‌همین زودی به‌سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد!».

ب- ۴) سنت‌های الهی ابزار مدیریت امنیتی خداوند متعال در عالم هستی: جناب علامه مصباح یزدی (ره) در کتاب معروف «جامعه و تاریخ از نگاه قرآن»، سنت الهی را به‌صورت «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد» یا «روش‌هایی که خدای متعالی امور عالم و آدم را برپایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند» تعریف می‌نماید و متذکر می‌گردند وقتی که سخن از یک «سنت الهی» می‌گوییم، مراد این نیست که فلان فعل خاص مستقیماً و بی‌واسطه از خداوند متعال صادر می‌شود، بلکه ممکن است اسباب و وسایل بسیاری، اعم از طبیعی و عادی؛ و فوق طبیعی و غیبی، در کار آمده باشد، و در عین حال، فعل به خداوند متعال منسوب شود (مصباح یزدی، ۲۰۱۲: ۴۷۰-۴۶۹).

ب- ۵) ضعفای جامعه به‌عنوان مرجع امنیت: مرجع امنیت<sup>۱</sup> به‌واسطه پاسخ به این پرسش کلیدی که «ما باید درباره امنیت چه کسی صحبت کنیم؟» (ویلیامز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۷) مشخص و روشن می‌گردد. بنابراین مرجع امنیت اصلی‌ترین چیزی است که باید از تهدید مصون بماند. در کتاب «امنیت: چارچوبی نوین برای تحلیل»، منظور از مرجع امنیت چیزهایی است که به‌نظر می‌رسد موجودیت آن‌ها در معرض تهدید قرار دارد و ادعای مشروعی برای بقا دارند (بوزان، ویور و دی‌وایلد<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸: ۳۶). مرجع امنیت آن چیزی است که شما می‌توانید بدان اشاره نمائید و بگوئید: «حق زنده ماندن دارد، بنابراین لازم است که ...» (بوزان و ویور، ۲۰۰۹: ۲۵۵). با توجه به سخنان مولای متقیان علی(ع) در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه، می‌توان مرجع امنیت در اسلام را «بندگان ستم‌کشیده» یعنی «ضعفای جامعه» دانست که معمولاً بیش از اقویا و ثروتمندان جامعه، «امنیت» آنان خدشه‌دار می‌گردد.

ب- ۶) بکارگیری ابزارهای مادی تأمین امنیت: انباشت قدرت سخت (آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال)، جهاد (آیه ۹۵ سوره مبارکه نساء)، اطلاعات (سیره عملی یا کردار گفتمانی نبی مکرم اسلام(ص) در

1. Referent Object of Security

2. Williams

3. Buzan, Wæver & de Wilde

بازداشت جاسوسه رقاصه‌ای به نام ساره (محمدی‌اشتهاردی، ۱۹۹۷: ۱۱۶)، امر به معروف و نهی از منکر (نامه ۴۷ نهج البلاغه) و تأمین معیشت آحاد کم‌توان جامعه از طریق زکات، خمس و صدقه را می‌توان اصلی‌ترین ابزارهای مادی تأمین امنیت در گفتمان امنیتی- نظامی اسلام دانست.

ب- ۷) بکارگیری ابزارهای معنوی تأمین امنیت: ابزارهای معنوی تأمین «امنیت» را می‌توان شامل «قدرت معنوی (مبتنی بر شش رکن توکل، استقامت، اعتقاد به امدادهای غیبی الهی، شهادت‌طلبی، صبر و توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام)» و «قدرت نرم» اسلام دانست.

ب- ۸) جنبه و ساحت ذهنی- عینی امنیت: «کن بوث» خاطر نشان می‌سازد که «امنیت به معنای نبود تهدیدها است» (بوث<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱: ۳۱۹). «جان بیلیس» اشاره می‌نماید که بر سر این مطلب که امنیت بر رهایی از تهدیدها نسبت به ارزش‌های بنیادین (هم برای افراد و هم برای گروه‌ها) دلالت دارد، اجماع وجود دارد (بیلیس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۲۵۴). «ریچارد وین جونز» معتقد است که امنیت به معنای نبود تهدید رنج، هراس، گرسنگی و فقر (غیر ارادی) می‌باشد (وین جونز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹: ۱۲۶).

با استناد به آیات و روایات می‌توان گفت که اسلام نگرشی سلبی به «امنیت» دارد. البته برخلاف دیدگاه محققان غربی که «امنیت» را به معنای نبود تهدید در نظر می‌گیرند، در اسلام «امنیت» به عنوان نبود خوف و هراس از تهدید [و نه نبود خود تهدید] تعریف شده است که جنبه‌ای «ذهنی- عینی» پیدا نموده است. بدین معنا که «امنیت» ساحتی ذهنی دارد و «تهدید»، ماهیت و ساحتی عینی دارد. از این رو، می‌توان گفت که از منظر اسلام اگر چه تهدید وجود دارد (و مشخصه اصلی عالم هستی هم وجود تهدید می‌باشد)، لکن اگر خوف و هراس از آن تهدید وجود نداشته باشد، آن‌گاه «امنیت» برقرار است که عملاً جنبه‌ای «ذهنی- عینی» پیدا نموده است.

به عنوان یک نمونه، در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور آمده است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد نمود، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و هراسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند». در این آیه شریفه به عبارت «وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (و خوف و هراسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند) اشاره شده است. بدیهی است که خوف و هراس کسانی که ایمان آورده‌اند از یک یا چند «تهدید» می‌باشد (اگرچه به صورت مستقیم بدان اشاره نشده است). تبدیل خوف و هراس آن‌ها به امنیت و آرامش که توسط خداوند متعال صورت می‌پذیرد نشان می‌دهد که «امنیت» نقطه مقابل خوف و هراس از تهدید (و نه نقطه مقابل تهدید) در نظر گرفته شده و بنابراین جنبه‌ای «ذهنی» دارد. به عنوان یک نمونه دیگر، در آیه ۱۵۱ سوره مبارکه آل عمران می‌خوانیم: «به‌زودی در دل‌های کافران، به‌خاطر

---

1. Booth  
2. Baylis  
3. Wyn Jones

این که بدون دلیل چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند، رعب و هراس می‌افکنیم و جایگاه آن‌ها، آتش است و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران!». در این آیه شریفه، رعب و هراسی که در دل کافران ایجاد گردیده اگر چه از سوی خالق یکتا است، لکن این رعب و وحشت به‌صورت ذهنی ایجاد گردیده است. این رعب و وحشت قطعاً از ترس یک تهدید عینی در دل کافران ایجاد خواهد شد (سنت اسباب)، لکن خود رعب و وحشت به‌صورت ذهنی ایجاد شده است. بنابراین «امنیت» در اسلام ساحتی ذهنی و در مقابل نبود خوف و هراس از یک یا چند تهدید عینی موضوعیت دارد.

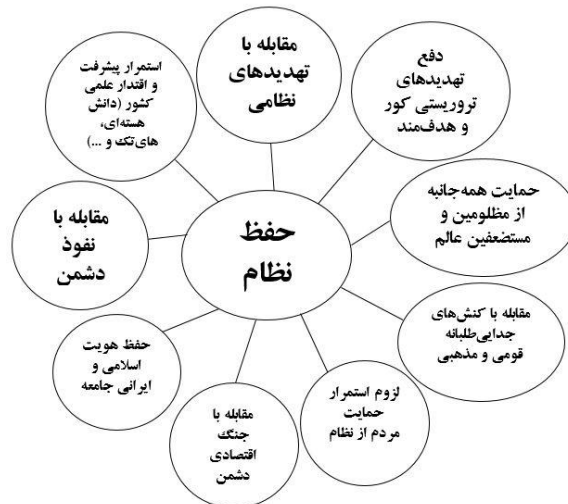
در آیات دیگری نظیر آیات ۳ و ۴ سوره مبارکه قریش، آیه ۲۶ سوره مبارکه انفال، آیه ۱۲ سوره مبارکه انفال و آیه ۲ سوره مبارکه حشر به ساحت «ذهنی» امنیت و در آیاتی نظیر آیه ۱۴ سوره مبارکه توبه، آیه ۱۲۵ سوره مبارکه آل عمران و آیه ۱۰۲ سوره مبارکه نساء به ساحت «عینی» تهدید اشاره شده است که به‌دلیل محدودیت‌های حجمی معمول مقالات علمی- پژوهشی بدان‌ها پرداخته نمی‌شود. در دعای بیستم صحیفه سجادیه، پیشوای چهارم شیعیان جهان، امام سجاد زین‌العابدین (ع) می‌فرماید: «و تلخی خوف و هراس از ظالمان را به شیرینی امنیت و ایمنی مبدل ساز». در این فراز از دعای شریف نیز، «امنیت» و ایمنی به‌واسطه از بین رفتن خوف و هراس از ظالمان (به‌عنوان منشأ تهدید) ایجاد می‌گردد.

ب- ۹) شناخت و تحلیل پدیده‌های امنیتی با بهره‌گیری از «عقل» و «حس» در کنار «وحی»: معرفت شناسی خاص اسلام (استفاده هم‌زمان از عقل و حس در کنار وحی جهت شناخت کامل هستی) به‌صورت مستقیم بر بعد عمل‌شناختی [یا کردار شناختی] اسلام در حوزه «امنیت» تأثیر نهاده است و در نتیجه در رویکرد اسلامی به «امنیت»، یک کنش‌گر و طراح امنیتی به‌منظور شناخت هستی و در نتیجه تجزیه و تحلیل وقایع و پدیده‌های امنیتی، علاوه بر «عقل» و «حس» می‌باید از «وحی» (قرآن و سخنان نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام) نیز کمک بگیرد. اتکای صرف یک کنش‌گر و سرویس امنیتی به «حس» و «عقل» موجب شناخت ناقص پدیده‌ها و وقایع می‌گردد.

### مفصل‌بندی گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران

در شکل ۲، مفصل‌بندی گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران به تصویر کشیده شده است. در بُعد داخلی و خارجی، گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران با گفتمان امنیتی- نظامی غرب‌گرا (و خرده گفتمان‌های درون آن نظیر گفتمان امنیتی- نظامی مجاهدین خلق)، گفتمان امنیتی- نظامی شاهنشاهی و گفتمان امنیتی- نظامی سلفی- تکفیری رابطه غیریت‌سازانه [یا مبتنی بر تخاصم] برقرار نموده است. «داده‌های متنی» که در تحلیل گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل متون نوشتاری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و هم‌چنین دیگر متون نظیر سخنان تلویزیونی و رادیویی معظم‌له (از سال ۶۸ لغایت ۱۴۰۱) می‌باشد که با توجه به گستردگی و تنوع متون از

ذکر اصل آن‌ها پرهیز می‌شود و تنها به ذکر جدول ۱ اکتفا می‌گردد. ضمن آن که «کردارهای گفتمانی غیرزبانی» معظم‌له نیز در راستای «کردارهای گفتمانی زبانی» ایشان ارزیابی می‌گردد.



شکل ۲: مفصل‌بندی گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران

منبع: نگارندگان

در رابطه با بررسی متون مربوط به مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به‌عنوان منبع اصلی مفصل‌بندی گفتمان امنیتی-نظامی جمهوری اسلامی ایران باید گفت که دلیل این امر در جایگاه ویژه و منحصر به‌فردی که قانون اساسی و عرف در مباحث امنیتی- نظامی برای مقام معظم رهبری در نظر گرفته است ریشه دارد. ضمن آن که مقام معظم رهبری در تعیین استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌های امنیتی- نظامی کشور حرف اول و آخر را می‌زنند و نفوذ کلام ایشان در میان مقامات امنیتی- نظامی (حتی در میان مقامات اطلاعاتی) ممتاز و بی‌بدیل می‌باشد.

در جدول ۱، مهم‌ترین داده‌های متنی یا کلامی مقام معظم رهبری (از سال ۱۳۶۸ لغایت ۱۴۰۱) در حوزه امنیتی- نظامی که منجر به مفصل‌بندی گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران گردیده و از میان ده‌ها داده متنی یا کلامی گزینش شده، مورد بررسی قرار گرفته است.



**جدول ۱: مهم ترین داده‌های متنی یا کلامی مقام معظم رهبری (از سال ۱۳۶۸ لغایت ۱۴۰۱) در حوزه امنیتی - نظامی**

منبع	نمونه داده متنی یا کلامی مورد بررسی (گرفته شده از میان دهه‌ها دهه متنی یا کلامی)	دال گنجان امنیتی جمهوری اسلامی ایران
بیانات در حرم مطهر رضوی (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴، فروردین ۱)	بزرگترین مصروفها در درجه اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی. این امر به مصروف است. مصروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نماند.	حفظ نظام
بیانات در دیدار کارگزاران (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵، اردیبهشت ۶)	یک وقتی نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران را به حمله نظامی، جنگ و این چیزها تهدید می کردند. حالا هم گاهی می کنند. نه این که نمی کنند. اما خودش می داند که این کار برایشان چقدر خسارت دارد. من الان این جا می گویم. آمریکایی ها بلدند اگر مرضی به ایران اسلامی بکنند. ایران اسلامی به منابع آن ها در هر نقطه عالم که امکان داشته باشد. البته وارد خواهد کرد. ما آن آدم‌های نیشم که پیشینم کسی ضربه بزند. جواب ضربه او را ندیده‌ام.	مقابله با تهدیدهای نظامی
بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴، اردیبهشت ۱۶)	ما با ترویس هم‌رازه گردیم، ما به ترویس سفی زدیم، ما در داخل کشور خودمان، در عراق، در سوریه، در لبنان با کسانی که علیه ترویس می جنگند همکاری کردیم. کمکشان کردیم، بازم می کنیم. ما مقابل ترویس هستیم. ما با ترویس مخالفیم و با هر ترووسی مبارزه خواهیم کرد.	دفع تهدیدهای ترووسی کور و هدفمند
بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴، شهریور ۲۵)	امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ برای این کشور؛ دنبال نفوذ هستند.	مقابله با نفوذ دشمن
بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴، اردیبهشت ۱۶)	اسلام به ما گفته است که «کن النظام خصماً و النظام عوناً» - این مبارز امیرالمؤمنین است - نظام هر کسی بوز باید یا او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هر کسی هست باید از او حمایت کرد.	حمایت از مسلمانان مظلوم در سراسر جهان
بیانات در دیدار زائران و مجاوران بازگانه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸، فروردین ۱)	اولین کاری که از طرف آمریکایی ها انجام گرفت، تحریک مخالفین پراکنده جمهوری اسلامی و کمک به حرکت‌های تجزیه طلب و تروستی در کشور بود؛ از اول این کار را شروع کردند. در هر نقطه‌ای از نقاط کشور که حرکت‌های تجزیه طلب در آن جا زمینه‌های انگشت آمریکایی ها را ما دیدیم.	مقابله با کنش‌های جدایی طلبانه قومی و مذهبی
بیانات در دیدار مردم امشهان (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴، خرداد ۲۵)	کسانی که با نظام جمهوری اسلامی و با هویت اسلامی ملت ایران به شدت مخالفند و آن را بر خلاف مصالح خودشان می دانند، به خاطر پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی، در اندامند. آن چیزی که تا امروز مثل سنی جلوی تعرض آن‌ها را به نظام جمهوری اسلامی گرفته، حضور شما مردم است.	استمرار حمایت مردم از نظام
بیانات در دانشگاه علوم دریایی نوشهر (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸، مهر ۱۴)	امروز یکی از چیزهایی که از لحاظ عملی مهم است، مسأله اقتصاد است؛ دشمن روی اقتصاد کشور ما شتر کز شده. از نظر دشمن، اقتصاد کشور یک نقطه ضعیف است که [آ] می تواند با تکیه بر آن نقطه ضعیف، مقاصد سوء خودش را در مورد کشور عزیز ما و در مورد جمهوری اسلامی اعمال بکند.	مقابله با جنگ اقتصادی دشمن
بیانات در دیدار مردم کارگران (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷، اردیبهشت ۱۶)	اقتدار یک ملت فقط به نیروهای مسلح نیست، اقتدار ملت یک حقیقت چندجنبه است؛ نیروهای مسلح، آن خط مقدم تحریک و نشانه اقتدار ملتند، اما یک ملت از لحاظ دانش باید پیشرفته باشد.	استمرار پیشرفت و اقتدار علمی کشور
بیانات در دیدار مردم کارگران (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷، اردیبهشت ۱۶)	در حقیقت ملت ایران در دوران انقلاب اسلامی احساس هویت کرد. آن چه که دشمنان، دشمنان بیانی این ملت همیشه می خواستند و دنبال می کردند این بود؛ است که از این ملت سلب هویت کنند. وقتی یک شتی احساس شخصیت نکرد، احساس هویت نکرد، راحت تر زیر بار می رود.	حفظ هویت اسلامی و ایرانی جامعه

(نگارندگان)

**بررسی فرضیه**

در این مرحله و به منظور بررسی دو گفتمان امنیتی- نظامی اسلام و جمهوری اسلامی ایران از روش تحلیل محتوای کیفی (با رویکرد استقرایی و آشکار) استفاده می‌شود.

**الف) تحلیل محتوای کیفی، استقرایی و آشکار**

روش تحلیل محتوای کیفی در برابر روش تحلیل محتوای کمی قرار می‌گیرد و بیشتر از شمارش کلمات و اصطلاحات آشکار متن، با الگوها و مضامین نهان متون سر و کار دارد. به طور کلی، تحلیل محتوای کیفی از طریق واکاوی مفاهیم، اصطلاحات و ارتباطات بین این مفاهیم سعی در استنباط و آشکار کردن الگوهای نهان در مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد مکتوب دارد (مومنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۲۰۱۳: ۱۸۷). «مشخص کردن مسأله پژوهش»، «تدوین پرسش‌ها و اهداف»، «تعریف و مشخص کردن متغیرها»، «نمونه‌گیری و انتخاب واحدهای تحلیل و زمینه»، «کدگذاری و مقوله‌بندی» و «تحلیل و استنباط نتایج و گزارش» را به‌عنوان مراحل و گام‌های شش‌گانه تحلیل محتوای کیفی دسته‌بندی و معرفی نموده‌اند (مؤمنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۲۰۱۳: ۱۹۹).

**ب) مراحل تحلیل محتوای کیفی، استقرایی و آشکار**

ب-۱) گام اول: مشخص کردن مسأله پژوهش

دغدغه و مسأله پژوهش حاضر، بررسی «تحول از» و «تحول در» گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۴۰۱) نسبت به گفتمان امنیتی- نظامی اسلام (به‌عنوان گفتمان مرجع) می‌باشد.

ب-۲) گام دوم: تدوین پرسش‌ها و اهداف

پرسش اول) آیا گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۴۰۱) نسبت به گفتمان امنیتی- نظامی اسلام (به‌عنوان گفتمان مرجع) دچار «تحول از» شده است؟

پرسش دوم) آیا گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۴۰۱) نسبت به گفتمان امنیتی- نظامی اسلام (به‌عنوان گفتمان مرجع) دچار «تحول در» شده است؟

هدف) بررسی کیفی، استقرایی و آشکار «دال مرکزی» و «وقته‌ها»ی دو گفتمان امنیتی- نظامی اسلام و جمهوری اسلامی ایران.

لازم به‌ذکر است که در روش تحلیل محتوای استقرایی، محقق از بکارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب می‌ورزد و در عوض اجازه می‌دهد که طبقات از درون داده‌ها استخراج شوند. در این روش، به جای این که شروع گردآوری داده‌ها با اتکا به فرضیه‌هایی باشد که از دل یک نظریه بیرون آمده، نقطه شروع گردآوری داده‌ها بر اساس پرسش(ها) و هدف(های) پژوهش می‌باشد. از این‌رو، محقق کاملاً در داده‌ها غرق شده تا به یک درک جدید دست پیدا کند. در مرحله بعد، تحلیل داده‌ها از طریق خوانش مکرر متن به‌منظور غوطه‌ور شدن در آن‌ها و یافتن یک درک کلی آغاز می‌شود. سپس متون کلمه به کلمه خوانده

می‌شود تا کدها استخراج شوند. این فرایند به صورت پیوسته از استخراج کدها تا نام‌گذاری آن‌ها تداوم می‌یابد. پس از آن کدها بر اساس تفاوت‌ها یا شباهت‌های میان آن‌ها در طبقات دسته‌بندی می‌شوند و در پایان به ازای هر مفهوم، شواهدی از متن نقل قول می‌شود (مؤمنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۲۰۱۳: ۲۰۷-۲۰۶).

ب-۳) گام سوم: تعریف و مشخص کردن متغیرها

تعریف «تحول از»: اگر ماهیت گفتمان اول (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران) نسبت به گفتمان مرجع (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی اسلام) دچار تغییر شده باشد، «تحول از» رخ داده است. بنابراین، می‌توان گفت که «تحول از» زمانی رخ می‌دهد که گفتمان اول نسبت به گفتمان مرجع دچار تغییر ماهوی شده باشد.

تعریف «تحول در»: اگر ظاهر و شکل گفتمان اول (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران) نسبت به گفتمان مرجع (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی اسلام) دچار تغییر شده باشد، «تحول در» رخ داده است. بنابراین، می‌توان گفت که «تحول در» زمانی رخ می‌دهد که گفتمان اول نسبت به گفتمان مرجع دچار تغییر صوری یا شکلی شده باشد.

ب-۴) گام چهارم: نمونه‌گیری و انتخاب واحدهای تحلیل و زمینه

نمونه‌گیری: از «دال مرکزی» و «وقته‌ها»ی دو گفتمان امنیتی- نظامی اسلام و جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود که خود این موارد براساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه استخراج شده‌اند.

واحد تحلیل متون: مضامین

واحد زمینه: دو دوره تاریخی- دوره اول: دوران زندگی حضرت رسول (ص) و امام علی بن ابی‌طالب (ع)- دوره دوم: دوران زعامت آیت‌ا... خامنه‌ای (۱۳۶۸ تا کنون).

ب-۵) گام پنجم: کدگذاری و مقوله‌بندی

فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی بر اساس جدول‌های شماره ۲ و ۳ انجام شده است. در این بخش، فرایند دسته‌بندی جملات، برچسب‌زنی یا تعیین کد، تعیین زیرمقوله‌ها و زیرطبقه‌ها و نهایتاً تعیین مقوله و طبقه بر اساس تحلیل محتوای کیفی، استقرایی و آشکار انجام پذیرفت.

ب-۶) گام ششم: تحلیل و استنباط نتایج و گزارش

پس از گام کدگذاری و مقوله‌بندی، اکنون نوبت به تحلیل نتایج و گزارش می‌رسد. در گام سوم اشاره گردید که «تحول از» زمانی رخ می‌دهد که گفتمان اول نسبت به گفتمان مرجع دچار تغییر ماهوی شده باشد. نتایج جدول‌های شماره ۲ و ۳ نشان می‌دهد که در گفتمان امنیتی- نظامی اسلام، ماهیت امنیت ابزاری است. یعنی امنیت هدف نیست، بلکه صرفاً ابزاری برای دستیابی به اهداف دیگر می‌باشد. در گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز ماهیت امنیت ابزاری است. یعنی امنیت هدف نیست، بلکه صرفاً ابزاری برای دستیابی به اهداف دیگر می‌باشد. بنابراین و با قاطعیت می‌توان اعلام نمود که تحلیل محتوای کیفی، استقرایی و آشکار گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران و گفتمان امنیتی-

نظامی اسلام نشان می‌دهد که ماهیت گفتمان اول (در این جا گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران) نسبت به گفتمان مرجع (در این جا گفتمان امنیتی - نظامی اسلام) دچار تغییر نشده است و از این رو، «تحول از» رخ نداده است.

**جدول ۲: کدگذاری و مقوله‌بندی گفتمان امنیتی - نظامی اسلام**

<p><b>جملات کلیدی (واحد تحلیل متون: مضامین)</b></p> <p>«ان تحصن الدول بعل استعمال اهلها (همچون دولت‌ها را محصور ندارد همانند عداوت‌پیشگی در آن)» «العمل جنة الدول» (عدالت سیر دولت‌ها است) و «اصول کم‌القدره اعداوت پیشه کن تا قدرت تو کم نیاید»</p> <p>«مقتضای مظهرات المؤمن و الظالمین» و «مقتضای مظهرات المؤمن و الظالمین»</p> <p>«ان الله ان يحرق الظالمين اياها باسباب فجعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً» (و خداوند آتش را بر سبب‌ها می‌بارد و برای هر چیزی سبب قرار داده است)</p> <p>«والله اخذ بكم من بطن ايمانكم لا تقمون سبباً و جعل لكم السمع و الابصار و الاذان لتذكروا (و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها و دلهای قرار داده است تا یاد کنید که از آذین بیخودین باقی‌نمانید) ...» «ان الله ان يحرق الظالمين اياها باسباب فجعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً» (و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها و دلهای قرار داده است تا یاد کنید که از آذین بیخودین باقی‌نمانید) ...» «ان الله ان يحرق الظالمين اياها باسباب فجعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً» (و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها و دلهای قرار داده است تا یاد کنید که از آذین بیخودین باقی‌نمانید) ...»</p>	<p>ایات ۱۲۴ و ۱۲۵ سوره مبارکه آل عمران: در آن هنگام که توبه بجهان می‌گشتی آیا کافی نیست که بپوشانید زنا را تا به هزار نفر از فرشتگان که از آسمان توبه می‌آیند توبه کنند؟ (روی: امروز هم) اگر استقامت و تقوی پیشه کنید و دشمن‌های خود را بی‌سراغ نسازید خداوند شما را به بیخ هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی یا خود دارند مدد خواهد داد.</p>	<p>«ان الله ان يحرق الظالمين اياها باسباب فجعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً» (و خداوند آتش را بر سبب‌ها می‌بارد و برای هر چیزی سبب قرار داده است)</p> <p>«والله اخذ بكم من بطن ايمانكم لا تقمون سبباً و جعل لكم السمع و الابصار و الاذان لتذكروا (و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها و دلهای قرار داده است تا یاد کنید که از آذین بیخودین باقی‌نمانید) ...» «ان الله ان يحرق الظالمين اياها باسباب فجعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً» (و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها و دلهای قرار داده است تا یاد کنید که از آذین بیخودین باقی‌نمانید) ...» «ان الله ان يحرق الظالمين اياها باسباب فجعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً و جعل لكل شئ سبباً» (و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها و دلهای قرار داده است تا یاد کنید که از آذین بیخودین باقی‌نمانید) ...»</p>	<p>علاوه صحیح بزرگی (است الهی یعنی رضایلی که بر اعمال الهی وجود دارد) یا روش‌هایی که خدای تعالی امور عالم و آدم را برپایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند.</p>	<p>وعد الله الذين امنوا بكم و عملوا الصالحات ان يستخلفهم في الارض كما استخلف الذين امنوا و جعل لهم دينهم الذي ارضى لهم و لبسناهم من بعد ذلهم ائمتنا (خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد نمود همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پدیدار و پیشه‌دار خواهد ساخت و خلیف و مرسلان را به امانت و آرامش مبدل می‌کند.</p>	<p>ارتباط قدرت سخت (به ۲۰ سوره انفال) جهاد (به ۹۰ سوره نساء) اطاعت (سوره عملى) یا کردار گفتگویی بین مکرم اسلام (ص) و امر به معروف و نهی از منکر (نامه ۴۷ پیچ لاری) تأمین امنیت آحاد کربلای جبهه از طریق زکات، خمس و صدقه.</p> <p>«قدرت معنوی (نشی رکن توکل، استقامت، اعتقاد به امداد الهی، شهادت‌طلبی، سیر و توسل به الله اظهار علیه‌السلام)» و «قدرت نرمه اسلام»</p>
<p><b>برچسب‌ها/کدها</b></p> <p>عدالت</p> <p>امنیت به مثابه نعمت</p> <p>سنت اسباب: برنامه‌ریزی و مدیریت</p> <p>انسانی جهت ایجاد و حفظ امنیت</p> <p>ایجاد و حفظ امنیت با بهره‌گیری از «عقل» و «حس» در کنار «وحي»</p>	<p>نقش امور ماوراء ماده نظیر فرشتگان در ایجاد و برقراری «امنیت» و از بین بردن تهدیدها</p>	<p>ضعفای جامعه به عنوان مرجع امنیت</p> <p>[عدم تهدید ضعفای جامعه]</p>	<p>سنت‌های الهی ابزار مدیریت امنیتی</p> <p>خداوند متعال در عالم هستی</p> <p>جنبه و ساخت ذهنی - عینی امنیت</p>	<p>به کارگیری ابزارهای مادی تأمین امنیت</p> <p>به کارگیری ابزارهای معنوی تأمین امنیت</p>	<p>ایزراهی جهت ایجاد و حفظ امنیت</p>
<p><b>زیرمقوله‌ها/ زیرطبقه‌ها</b></p> <p>امنیت ایجادی: انجام مجموعه‌ای از اقدامات در راستای ایجاد و حفظ امنیت</p>	<p><b>امنیت ایزراهی</b></p> <p>امنیت سلبی: نبود [خوف و هراس] از تهدید</p> <p>اهداف دیگری</p>	<p>امنیت ایزراهی</p> <p>نیست صرفاً ایزراهی است برای دستیابی به اهداف دیگر)</p>	<p>سنت‌های الهی ابزار مدیریت امنیتی</p> <p>خداوند متعال در عالم هستی</p> <p>جنبه و ساخت ذهنی - عینی امنیت</p>	<p>ایزراهی جهت ایجاد و حفظ امنیت</p>	
<p><b>مقوله‌ها/طبقه‌ها</b></p>	<p><b>امنیت ایزراهی</b></p> <p>امنیت سلبی: نبود [خوف و هراس] از تهدید</p> <p>اهداف دیگری</p>	<p>امنیت ایزراهی</p> <p>نیست صرفاً ایزراهی است برای دستیابی به اهداف دیگر)</p>	<p>سنت‌های الهی ابزار مدیریت امنیتی</p> <p>خداوند متعال در عالم هستی</p> <p>جنبه و ساخت ذهنی - عینی امنیت</p>	<p>ایزراهی جهت ایجاد و حفظ امنیت</p>	

(نگارندگان)

## ج) نتایج

نتایج حاصله هم‌چنین نشان می‌دهد که ظاهر و شکل گفتمان اول (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران) نسبت به گفتمان مرجع (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی اسلام) دچار تغییر شده است و از این‌رو، «تحول در» رخ داده است.

ج- ۱) امنیت ابزاری در اسلام (امنیت هدف نیست، بلکه صرفاً ابزاری برای دستیابی به اهداف دیگر می‌باشد): یکی از آثار اصلی برقراری «امنیت» با توجه به محدودیت‌های حجمی مقالات علمی- پژوهشی، در زیر صرفاً به یک مورد از آثار برقراری «امنیت» اشاره می‌گردد.

## جدول ۳: کدگذاری و مقوله‌بندی گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران

مقوله‌ها/طبقه‌ها	زیرمقوله‌ها/زیرطبقه‌ها	برچسب‌ها/کدها	جملات کلیدی (واحد تحلیل متون: مضامین)
امنیت ابزاری (امنیت هدف نیست، صرفاً ابزاری است برای دستیابی به اهداف دیگر)	امنیت ایجاد: انجام مجموعه‌ای از اقدامات در راستای ایجاد و حفظ امنیت	حفظ نظام حمایت از مسلمین مظلوم در سراسر جهان	بزرگ‌ترین معروفها در درجه اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است، معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم... اسلام به ما گفته است که «بکن لثقلیم خیسماً و للمظلوم عیناً» - این سفارش امیرالمؤمنین است... ظالم هر کسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفتند؛ مظلوم هرکسی هست باید از او حمایت کرد...
	امنیت سلبی: نبود تهدید	مقابله با تهدیدهای نظامی	یک وقتی نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران را به حمله نظامی، جنگ و این چیزها تهدید می‌کردند، حالا هم گاهی می‌کنند، نه این‌که نمی‌کنند اما خوششان می‌آید که این کار پورایشان جعفر خسارت دارد... من الان این‌جا می‌گویم: آمریکایی‌ها بداندند، اگر تعرضی به ایران اسلامی بکنند، ایران اسلامی به منافق آن‌ها در هر نقطه عالم که امکان داشته باشد، لطمه وارد خواهد کرد، ما آن آدم‌هایی نیستیم که بنشینیم کسی ضربه بزند، جواب ضربه او را ندهیم... اولین کاری که از طرف آمریکایی‌ها انجام گرفت، تحریک مخالفین پرانگنده جمهوری اسلامی و کمک به حرکت‌های تجزیه‌طلب و تروریستی در کشور بود؛ از اول این کار را شروع کردند، در هر نقطه‌ای از نقاط کشور که حرکت‌های تجزیه‌طلب در آن‌جا زمینه‌ای داشت، انگشت آمریکایی‌ها را ما دیدیم... ما با تروریسم مبارزه کردیم، ما به تروریسم سبلی زدیم... ما در داخل کشور خودمان، در عراق، در سوریه، در لبنان یا کسانی که علیه تروریسم می‌جنگیدند همکاری کردیم، کمک‌هاش کردیم، بازهم می‌گوییم: ما مقابل تروریسم هستیم... ما با تروریسم مخالفیم و یا هر تروریستی مبارزه خواهیم کرد...
		مقابله با کنش‌های جدایی‌طلبانه قومی و مذهبی دفع تهدیدهای تروریستی گور و هدفمند	امروز یکی از چهره‌هایی که از لحاظ عملی مهم است، مسأله اقتصاد است؛ دشمن روی اقتصاد کشور ما متمرکز شده. از نظر دشمن، اقتصاد کشور یک نقطه ضعیفی است که [او] می‌تواند با تکیه بر آن نقطه ضعیف، مقاصد سوء خودش را در مورد کشور عزیز ما و در مورد جمهوری اسلامی اعمال بکند... امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ نفوذ نفوذ هستند...
		مقابله با جنگ اقتصادی دشمن	اقتدار یک ملت فقط به نیروهای مسلح نیست، اقتدار ملت، ملت یک حقیقت چندجانبه است: نیروهای مسلح، آن خط مقدم تحرک و نشانه اقتدار ملتند، اما یک ملت از لحاظ دانش باید پیشرفته باشد...
		مقابله با نفوذ دشمن	در حقیقت ملت ایران در دوران انقلاب اسلامی احساس هویت کرد. آنچه که دشمنان، دشمنان بنیانی این ملت همیشه می‌خواستند و دنبال می‌کردند، این بوده است که از این ملت سلب هویت کنند. وقتی یک ملتی احساس شخصیت نکند، احساس هویت نکند، راحت‌تر زیر بار می‌رود... کسانی که با نظام جمهوری اسلامی و با هویت اسلامی ملت ایران به‌شدت مخالفند و آن را برخلاف منافع خودشان می‌دانند، به‌خاطر پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی، درماتند... آن چیزی که تا امروز مثل سدی جلوی تعرض آن‌ها را به نظام جمهوری اسلامی گرفته، حضور شما مردم است...
		ابزارهایی جهت ایجاد و حفظ امنیت	استمرار پیشرفت و اقتدار علمی کشور حفظ هویت اسلامی و ایرانی جامعه استمرار حمایت مردم از نظام

(نگارندگان)

## ج- ۱-۱) «امنیت» زمینه‌ساز و بستر برقراری «عدالت»

مولای متقیان، امیرمؤمنان، علی(ع) درباره معنای عدالت می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا... (عدل، امور را در جای خود قرار می‌دهد...)» [حکمت ۴۳۷ نهج البلاغه]. بنابراین می‌توان عدل را به معنای قرار دادن هر چیز سر جای خود دانست.

بدیهی است که «قرار دادن هر چیز در سر جای خود» جز در حالتی که «امنیت» برقرار باشد مقدور

نخواهد بود (یا حداقل بسیار دشوار خواهد بود). چرا که در فضای «ناامنی»، تنها و تنها موضوع بقا و حفظ حیات مهم می‌باشد و سایر موضوعات اولویت بسیار کم‌تری خواهند یافت.

به‌منظور اثبات این مطلب که «امنیت» زمینه‌ساز و بستر برقراری «عدالت» می‌باشد لازم است که یک استدلال عقلی را مطرح نمود. فرض کنیم چند فرد پزشک، معمار، آشپز، آرایش‌گر، نوازنده و ... در حالتی که در جامعه «امنیت» برقرار است، در سر جای خود قرار می‌گیرند و به حرفه تخصصی خود می‌پردازند (عدالت). اکنون حالتی را فرض کنیم که «امنیت» آن جامعه به‌واسطه حمله نظامی دشمن در معرض تهدید قرار گرفته است. در چنین حالتی لازم است که مردان قوی به‌منظور بیرون راندن دشمن از مرزها راهی خطوط مقدم نبرد شوند. از این‌رو، لازم است که آن پزشک، معمار، آشپز، آرایش‌گر، نوازنده و ... شغل اصلی خود را رها نموده و در کنار مردم عادی سلاح به دست گرفته و راهی جبهه‌های جنگ شوند و بدین گونه کارکرد اصلی آنان تغییر می‌یابد. در چنین حالتی نمی‌توان گفت که «عدالت» به‌معنای «قرار دادن هر چیز سر جای خود» در مورد این افراد مصداق پیدا کرده است. بنابراین «امنیت» زمینه‌ساز و بستر برقراری «عدالت» می‌باشد (البته ذکر مثال در حوزه عدالت شغلی بدان معنا نیست که نگارندگان عدالت را تنها ناظر بر عدالت شغلی می‌دانند).

مثال ملموس دیگر در تأیید گزاره «امنیت» زمینه‌ساز و بستر برقراری «عدالت» قضایای جانشینی نبی مکرم اسلام (ص) پس از رحلت آن وجود مبارک می‌باشد. خداوند عالمیان با توجه به علمی که نسبت به بندگان و مصلحت‌های آنان دارند، بنده خالص خود و نزدیک‌ترین فرد به محمد مصطفی (ص)، علی بن ابی‌طالب (ع) را به‌عنوان جانشین رسول خود معرفی و در آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده خطاب به حضرت ختمی مرتبت (ص) فرمودند: «ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد [به خلق] برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای و خدا تو را از [شر] مردمان محفوظ خواهد داشت». رسول اعظم، محمد مصطفی (ص) در ۱۸ ذی‌الحجه سال دهم هجری قمری در منطقه‌ای به‌نام غدیر خم، دستور خداوند را اجرا و علی بن ابی‌طالب (ع) را به‌عنوان جانشین خود معرفی نمودند (قرار دادن علی در سر جای خود به‌عنوان امام و حاکم جامعه اسلامی). حاضران در آن واقعه که نقل‌های مختلفی در مورد تعداد آنان وجود دارد (ده؛ دوازده؛ هفده؛ هفتاد و ۱۲۰ هزار نفر) با امام علی (ع) بیعت نمودند. پس از آن، آیه اکمال نازل گردید: «امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم». چندی بعد و پس از رحلت سراج منیر، محمد مصطفی (ص) و در حالی که امام علی (ع) مشغول تجهیز پیکر مطهر آن حضرت بودند، عده‌ای از صحابه بی‌توجه به دستور الهی که در ماجرای غدیر به آنان ابلاغ شده بود، جنجال سقیفه را برپا نمودند، نه‌تنها خلافت که تاریخ را از مسیر اصلی خود خارج کرده و اجازه ندادند خلافت بر امامت منطبق بماند و بدین‌سان عدالت را ذبح نمودند.

در نهایت از طریق برهم زدن «امنیت» و ایجاد «ناامنی» و ارباب مردم (گسیل افراد مسلح به درب منزل یعسوب‌الدین، علی (ع) و پاره تن رسول خدا، بی‌بی فاطمه‌الزهرا سلام... علیها) و هم‌زمان تطمیع بسیاری از بزرگان، اجازه ندادند «عدالت» برقرار گردد و دستور الهی اجرا گردد. بنابراین «امنیت» زمینه‌ساز

و بستر برقراری «عدالت» می‌باشد.

لازم به ذکر است که اسلام نوعی برهم‌کنش و تعامل دوسویه برای «امنیت» و «عدالت» تعریف نموده است. از یک‌سو، «امنیت» زمینه‌ساز و بستر برقراری «عدالت» می‌باشد و از دگرسو، «عدالت» (یا پرهیز از ظلم) به‌عنوان یکی از ابزارهای تأمین «امنیت» معرفی گردیده است. مولای متقیان، علی(ع) می‌فرماید: «[آگاه باشید که] هیچ چیزی بیش از حرکت بر مبنای ظلم موجب دگرگونی نعمت خداوندی و سرعت انتقام او نیست؛ زیرا خداوند، شنونده دعای ستم‌دیدگان و در کمین ستمکاران می‌باشد» [نامه ۵۳ نهج‌البلاغه].

### نتیجه‌گیری

موضوع رابطه میان گفتمان امنیتی - نظامی اسلام و گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران یکی از موضوعات مهم روز در عرصه تحلیل گفتمان می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر که به‌واسطه تحلیل محتوای کیفی، استقرایی و آشکار گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران و گفتمان امنیتی - نظامی اسلام و انجام گام‌های شش‌گانه شامل «مشخص کردن مسأله پژوهش»، «تدوین پرسش‌ها و اهداف»، «تعریف و مشخص کردن متغیرها»، «نمونه‌گیری و انتخاب واحدهای تحلیل و زمینه»، «کدگذاری و مقوله‌بندی» و «تحلیل و استنباط نتایج و گزارش» به‌دست آمده، نشان می‌دهد که از منظر هر دو گفتمان، ماهیت امنیت، ابزاری است. یعنی امنیت هدف نیست، بلکه صرفاً ابزاری برای دستیابی به اهداف دیگر می‌باشد. نتایج حاصله هم‌چنین نشان می‌دهد که گفتمان امنیتی - نظامی اسلام نسبت به گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران تأکید و اهمیت بیشتری برای «امنیت ایجابی» و تأکید و اهمیت کم‌تری برای «امنیت سلبی» و «ابزارهای ایجاد و حفظ امنیت» قائل است.

به‌صورت مشخص می‌توان وزن زیرمقوله/ زیرطبقه «امنیت ایجابی» در گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران را دو برچسب/ کد در نظر گرفت، در حالی که وزن زیرمقوله/ زیرطبقه «امنیت ایجابی» در گفتمان امنیتی - نظامی اسلام چهار برچسب/ کد می‌باشد که نشان می‌دهد گفتمان امنیتی - نظامی اسلام تأکید و اهمیت بیشتری برای «امنیت ایجابی» قائل است.

مضاف بر این موضوع، می‌توان وزن زیرمقوله/ زیرطبقه «امنیت سلبی» در گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران را پنج برچسب/ کد در نظر گرفت، در حالی که وزن زیرمقوله/ زیرطبقه «امنیت سلبی» در گفتمان امنیتی - نظامی اسلام چهار برچسب/ کد می‌باشد که نشان می‌دهد گفتمان امنیتی - نظامی اسلام تأکید و اهمیت کم‌تری برای «امنیت سلبی» قائل است.

هم‌چنین، می‌توان وزن زیرمقوله/ زیرطبقه «ابزارهای ایجاد و حفظ امنیت» در گفتمان امنیتی - نظامی جمهوری اسلامی ایران را سه برچسب/ کد در نظر گرفت، در حالی که وزن زیرمقوله/ زیرطبقه «ابزارهای

ایجاد و حفظ امنیت» در گفتمان امنیتی- نظامی اسلام دو برچسب/کد می‌باشد که نشان می‌دهد گفتمان امنیتی- نظامی اسلام تأکید و اهمیت کم‌تری برای «ابزارهای ایجاد و حفظ امنیت» قائل است. بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که ماهیت گفتمان اول (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران) نسبت به گفتمان مرجع (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی اسلام) دچار تغییر نشده است و از این‌رو، «تحول از» رخ نداده است، زیرا از منظر هر دو گفتمان، ماهیت امنیت ابزاری است. یعنی امنیت هدف نیست، بلکه صرفاً ابزاری برای دستیابی به اهداف دیگر می‌باشد. نتایج حاصله همچنین نشان می‌دهد که ظاهر و شکل گفتمان اول (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی ایران) نسبت به گفتمان مرجع (در این‌جا گفتمان امنیتی- نظامی اسلام) دچار تغییر شده است و از این‌رو، «تحول در» رخ داده است.

## References

- Allama Majlisi, Muhammad Baqir (1983). *Bihar al-Anwar*. Volume 78. Beirut: Arab Heritage Revival House. (In Persian)
- Baylis, J. (2014). *International and global security in the post-cold war era*. In John Baylis, Steve Smith & Patricia Owens. *The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations*. Sixth Edition. Oxford: Oxford University Press.
- Booth, K. (1991). "Security and Emancipation". *Review of International Studies*, Vol. 17, No. 4: 313-326.
- Buzan, B., & Wæver, O. (2009). "Macrosecuritisation and security constellation: Reconsidering scale in securitization theory". *Review of International Studies*, Vol. 35: 253-276.
- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: a new framework for analysis*. Boulder, Colo. Lynne Rienner Publishers.
- Fatal Neyshabouri, Mohammad Ibn Hassan (2002). *Rawdah al-Wa'izin and Basira al-Mu'izin*. Volume II. Translation and Annotation: Mahmoud Mahdavi Damghani. Qom: Dalil Ma. (In Persian)
- Gee, J. P., & Handford, M. (2012). *Introduction*. In James Paul Gee & Michael Handford. *The Routledge Handbook of Discourse Analysis*. London & New York: Routledge.
- Harpham, G. G. (2013). *Language Alone: The Critical Fetish of Modernity*. Second Edition. London & New York: Routledge.
- Howarth, D. (2000). *Discourse*. Buckingham & Philadelphia: Open University Press.
- Howarth, D. (2015). *Introduction: Discourse, hegemony and populism: Ernesto Laclau's political theory*. In David Howarth. *ERNESTO LACLAU: Post-Marxism, populism and critique*. London & New York: Routledge.



- Ibn Babawayh, Ali bin Hussein (2003). *Qualities* (Al-Khisal). Volume 1. Authenticated and commented by Ali Akbar al-Ghaffari. Qom: The group of teachers in the seminary in Qom, Center for Islamic Publications. (In Persian)
- Jørgensen, M. & Phillips, L. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London, Thousand Oaks & New Delhi: SAGE Publications.
- Laclau, E. (2006). “Ideology and post-Marxism”. *Journal of Political Ideologies*, 11(2): 103–114.
- Laclau, E. (2007). *Discourse*. In Robert E. Goodin, Philip Pettit & Thomas Pogge. A Companion to Contemporary Political Philosophy. Volume II. Second Edition. Massachusetts & Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1987). “Post-Marxism without Apologies”. *New Left Review*, Vol. 1, No. 166: 79-106.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (2001). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. Second Edition. London & New York: Verso.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (2011). *Society and History from the Perspective of the Qur'an*. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. (In Persian)
- Mohammadi Eshtehardi, Mohammad (1997). *Hearing Stories about the Conquest of Mecca and the battle of Hunain*. Qom: The group of teachers in the seminary in Qom, Center for Islamic Publications. (In Persian)
- Momeni Rad, Akbar; Aliabadi, Khadija; Fardanesh, Hashem; Mazini, Nasser (2013). “Qualitative Content Analysis in Research: Nature, Stages and Validity of Results”. *Educational Measurement Quarterly*, Vol. 4, No. 14: 187-222. (In Persian)
- Norrick, N. R. (2001). *Discourse and Semantics*. In Deborah Schiffrin, Deborah Tannen, and Heidi E. Hamilton. *The Handbook of Discourse Analysis*. Massachusetts & Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Schiffrin, D., Tannen, D., & Hamilton, H. E. (2001). *Introduction*. In Deborah Schiffrin, Deborah Tannen, and Heidi E. Hamilton. *The Handbook of Discourse Analysis*. Massachusetts & Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Tamimi Amodi, Abd al-Wahid bin Muhammad (1987). *Ghurar al-Hikam and Durar al-Kalem*. Translated and compiled by Mustafa Derayati. Qom: Publishing Center of the Islamic Information Office. (In Persian)
- Torfing, J. (1999). *New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Zizek*. Massachusetts & Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Williams, P. D. (2008). *Security studies: an introduction*. In Paul D. Williams. *Security Studies: an introduction*. London & New York: Routledge.
- Wyn Jones, R. (1999). *Security, Strategy and Critical Theory*. Boulder, CO: Lynne Rienner.